



نقد اقتصاد سیاسی نقد بتواری نقد ایدئولوژی

<https://naghd.com>

هرمی در آتش!

تاملی بر همایش مقاومت و شورش‌گری: بخش‌هایی از یک کل

۲ تا ۱۷ اوت ۲۰۲۵، بزرگراه فرمانده رامونا، چیاپاس، مکزیک

بهرام قدیمی



شهریور ۱۴۰۴

زاپاتیست‌ها یک سال و نیم پیش، در سی‌امین سالگرد قیام ارتش زاپاتیستی آزادی‌بخش ملی علیه فراموشی و به طبع آن دولت مکزیک، اعلام کردند که هزاران هکتار اراضی بازپس گرفته شده طی قیام دیگر نه به آنان تعلق دارد و نه به هیچ مرجع دیگری از قبیل مشاع و غیره. این اراضی را آنان **سرزمین هیچ کس** نامیدند.

زاپاتیست‌ها طی یک سال و نیم گذشته عملاً تمام ساختار اجتماعی اداری و مدنی خود را تغییر دادند. ارتش زاپاتیستی آزادی‌بخش ملی از ۲ تا ۱۷ اوت ۲۰۲۵ میزبان یک همایش سراسری بود. مضمون این همایش شریک شدن در تجربیات عملی جمع‌ها، گروه‌ها و سازمان‌های گوناگون در کشورها و مناطق مختلف بود که در آن گروه‌های مختلف، به‌خصوص هواداران جنبش زاپاتیستی از سراسر جهان و پایه‌های کمک‌رسانی زاپاتیستی شرکت داشتند (۸۰۰ نفر از بیرون از مناطق آنان و ۲۷۴۸ نفر از پایه‌های زاپاتیست). همه می‌توانستند در این همایش فعالیت‌های خود را برای دیگر شرکت‌کنندگان تعریف کنند. در هیچ موردی، هیچ محدودیتی در نوع ارائه و محتوای سخنان اعمال نشد. از کسانی که همه را به پیوستن به عیسی مسیح دعوت می‌کردند تا کسانی که به زاپاتیست‌ها به خاطر مصرف گوشت شدیداً انتقاد داشتند، همگی حضور داشتند.

بررسی تجربیات عملی گروه‌هایی که بیانیه‌ی «برای زندگی» را امضا کرده بودند، بی‌شک در جای خود ارزش‌مند و چه بسا ضروری است، اما در این نوشته موضوع دیگری را مد نظر داریم.

در روز ۳ اوت، نیروهای میلیشای زاپاتیست، هر یک مزین به یک پرچم فلسطین، هم‌بستگی تمام‌عیار خود را با خلق فلسطین به نمایش گذاشتند و برای آن که جای هیچ ابهامی باقی نماند، در سخنان کوتاه خود، معاون فرمانده شورشی مویسس فریاد برآورد: «ما همه فلسطینی هستیم!» از فردای آن روز زاپاتیست‌ها در سه نوبت با نمایش یک تئاتر به انتقاد از انحراف‌ها و ضعف‌های اعضای شوراهای «دولت خوب» پرداخته، دست آخر با به آتش کشیدن هرم قدرت آغاز مرحله‌ای ناشناخته در تاریخ‌شان را به شکلی نمادین آشکار ساختند.

در تمام این روزها، زاپاتیست‌ها انتقاد می‌کردند که با وجود تمام پرنسیپ‌هایشان، آنان شاهد رشد فساد مالی، سوءاستفاده از قدرت (چه به شکل نادیده‌انگاشتن نظر هم‌بودها و چه در پاسخ‌گویی به آنان) و استفاده از امکانات به نفع افراد مرتبط با خود بوده‌اند. حتی اگر نسبت این موارد در سطوح گسترده‌ای نبود، با این حال باید جلوی آن گرفته می‌شد. رائل سیبچی، نویسنده و روزنامه‌نگار اروگوئه‌ای به مقوله‌ی انتقاد از خود زاپاتیستی می‌پردازد: «می‌دانیم که انتقاد از خود از صفوف چپ جهانی، حتی آن‌ها که خود را چپ رادیکال می‌نامند، رخت بر بسته است... آن چه بیش از همه توجه حضار را جلب می‌کرد، به تصویر کشیدن اشتباهات شورای دولت خوب بود...»

این انتقاد از خود به شکلی علنی، در برابر گروه‌های حامی زاپاتیست‌ها، شرکت‌کنندگان مکزیک و بین‌المللی، حتی در شبکه‌های اجتماعی انجام شد.» [۱]



اما ما با عمل انتقاد از خود به شکل علنی، از سوی برخی سازمان‌ها در خاورمیانه آشنا هستیم. پس چه چیزی در این همایش و انتقاد از خود بی‌محابای زاپاتیست‌ها نظیرمان را به خود جلب کرد؟ انتقادات زاپاتیست‌ها را می‌توان در دو محور بررسی کرد:

۱. ساختار قدرت، شوراها و آن چیزی که زاپاتیست‌ها هرم می‌نامند.

۲. کوشش برای تقسیم عادلانه‌تر ثروت و پیش‌گیری از بازتولید یک طبقه‌ی مرفه جدید.

روشن کنیم که ما این مطلب را برای درس دادن به رفقای زاپاتیست‌مان نمی‌نویسیم، هر جنبشی خودش به اندازه‌ی کافی می‌داند که چگونه در جغرافیای خودش عمل کند. هدف ما فقط درک بهتر اتفاقی است که در حال رخ دادن است و درس گرفتن از عمل زاپاتیست‌ها در این دوران. به خصوص اصرار زاپاتیست‌ها به این امر که هر کس باید به تاریخ خودش رجوع کند، ما را وامی‌دارد به گذشته‌ی خودمان، که از جمله با انقلاب اکتبر عجین شده، توجه داشته باشیم. این امر حتی برای فهم امروزین تصمیم زاپاتیست‌ها تقریباً اجتناب‌ناپذیر است.

۱. ساختار قدرت، شوراها و آن چیزی که زاپاتیست‌ها هرم می‌نامند

تا اول ژانویه ۲۰۲۴ هم‌بودهای زاپاتیست این‌گونه سازمان‌دهی می‌شد:

- شورای متشکل از ساکنین هر روستا
- مجموعه‌ای از این روستاها، بخش‌داری خودمختار شورشی زاپاتیستی را تشکیل می‌داد.
- مجموعه‌ای از بخش‌داری‌های خودمختار یک منطقه شورای دولت خوب را تشکیل می‌داد.
- ساختار هماهنگ‌کننده‌ی تمام ۱۲ شورای دولت خوب، بین‌المنطقه‌ای نام داشت.

منتخبین هر سطحی در این ساختار می‌بایست در ارتباط با توده‌های پایه، پروژه‌ها و طرح‌های مصوبه را پیش می‌بردند، ابتکار عمل پیشنهاد کردن بحث پیرامون طرح‌های جدید نیز به عهده‌ی مسئولین شوراها بود. وجود یک ساختار هرمی از پایین به بالا که بنا به تجربه‌ی زاپاتیست‌ها، ساختار قدرت را بازسازی می‌کرد، اجازه می‌داد افراد به فساد اقتصادی و اداری مبتلا شوند؛ و دست آخر به ضعف در انتقال نتایج پیشنهادهای و تصمیم‌گیری‌ها، ناکارآمدی در انتقال تجربه و به نابرابری در سطح آگاهی ختم می‌شد. تشکیل ساختار جدید قرار است جلوی بازتولید هرم قدرت را بگیرد.

ساختار مدنی نوین زاپاتیست‌ها، شاید ظاهراً به ساختار شورایی شباهت داشته باشد، اما ویژگی‌های خود را دارد.

- در هر هم‌بود زاپاتیستی یک دولت خودمختار محلی (GAL (یعنی شورای روستا) تمام تصمیم‌هایی را که به روستا مرتبط می‌شود، مستقلاً اتخاذ می‌کند.

- نمایندگانی برای تصمیم‌گیری درباره‌ی مواردی که به روستاهای مختلف مرتبط می‌شود تعیین می‌شوند و مسئولین آن روستاها را (که می‌تواند در سطح همان بخش‌داری‌ها باشد) به یک مجمع عمومی فرامی‌خوانند. جمع دولت‌های خودمختار محلی (CGAZ) ارگانی است که مسئولیت فراخواندن این مجامع عمومی را عهده‌دار است.

- در سطح یک منطقه، یعنی منطقه‌ای که در گذشته کاراکول (حلزون‌های ۱۲ گانه) را تشکیل می‌داد، تصمیمات نیز در مجمع عمومی هماهنگی دولت‌های خودمختار زاپاتیستی (ACGAZ) اتخاذ می‌شود.

یک ارگان هماهنگی، که هنوز نام مشخصی ندارد، به عنوان ارگان بین‌المنطقه‌ای (Inter zona) عمل می‌کند. وظیفه‌ی ارگان بین‌المنطقه‌ای همانا فراخواندن نمایندگان تمامی هم‌بودهای زاپاتیستی به یک مجمع عمومی است. تصمیمات لازم درباره‌ی هماهنگی تمام مناطق زاپاتیستی در این مجامع اتخاذ خواهد شد.

تفاوت اساسی این ساختار با ساختار قبلی در این است که در گذشته حق تصمیم‌گیری در حیطه‌ی عمل نمایندگان بود که شورای دولت خوب را تشکیل می‌دادند؛ یعنی شورای دولت خوب در امور اجتماعی، از الزامات مدنی تا اجرای عدالت، قدرت تصمیم‌گیری داشت. ولی در ساختار فعلی، هر سطحی درباره‌ی مسائل مربوط به خود مستقلاً تصمیم می‌گیرد و بنابراین پاسخ‌گوست. نمایندگان که در سطوح دیگری به غیر از هم‌بود خود عمل می‌کنند، در واقع پیک‌هایی هستند که وظیفه‌ی آنان فراخواندن مجامع عمومی‌ای است که در آن مسئولین هم‌بودها گرد هم می‌آیند و در موارد مختلف به توافق می‌رسند.

چنین تجربه‌ای را در اروپا در جنبش جلیقه‌زرها نیز شاهد بوده‌ایم. اگر در هفته‌های اول این جنبش نمایندگان که به سطح وسیع‌تر از حوزه‌ی خود اعزام می‌شدند، به نوعی حق تصمیم‌گیری داشتند، بعدها برای اطمینان از مشارکت جمع، این نمایندگان از حق تصمیم‌گیری برخوردار نبوده‌اند و می‌بایستی هر تصمیمی را که جمع می‌گیرد، به سطوح دیگری منتقل کنند.

می‌دانیم که زاپاتیست‌ها همواره تأکید کرده‌اند که اعمال‌شان را بر اساس نسخه‌برداری از متون سیاسی گذشتگان مشخص نمی‌کنند، بلکه بر اساس تجربیات عملی خودشان گام برمی‌دارند. در عین حال آنان بارها به دستاوردهای «سفر برای زندگی»، یعنی سفر هیئت زاپاتیستی به اروپا در ۲۰۲۱ و به استفاده از تجربه‌های گروه‌های فعال اروپایی در تصمیم به تغییر ساختار تشکیلات مدنی‌شان اشاره کرده‌اند. اگرچه آنان درباره‌ی این موضوع‌ها در اطلاعیه‌های پی در پی سخن گفتند، اما در همایش اخیر نیز بارها درباره‌ی این تجربه‌ها و تأثیرشان بر تصمیم به تغییر ساختار حرف زده‌اند.

در عین حال آگاهییم که هر فعالیت عملی، به خودی خود تئوری‌ساز است. و برای انتقال هر تجربه‌ای، الزاماً باید آن را به زبانی تعریف کرد که برای کسانی که در جغرافیایی دیگر و در نوع دیگری از واقعیت‌های اجتماعی زیست می‌کنند قابل درک باشد. نه برای آن که از آن نسخه‌برداری کنند، بلکه به آن علت که نکاتی را که مناسب فعالیت‌شان است، برگزینند. این جاست که نگاه انتقادی به ما کمک می‌کند از بدفهمی فاصله بگیریم.

شارل بتلهایم می‌گفت: «نقطه عزیمت کار ما تهاجم و اشغال چکسلواکی توسط ارتش شوروی بود؛ آن‌هایی که خود را مارکسیست می‌دانند نمی‌توانند صرفاً به یک محکومیت و تأسف بسنده کنند؛ آن‌ها باید این تهاجم را توضیح دهند؛ تأسف خوردن و آرزو کردن صرفاً به خلق‌ها امکان می‌دهد که بدبختی خود را تحمل کنند ولی به آن‌ها کمک نمی‌کند که دلایل آن را فهمیده و برای از میان بردن آن مبارزه کرده تا دوباره به وقوع نپیوندد».[۲] ما نمی‌دانیم آیا زاپاتیست‌ها چنین مقالاتی را مطالعه کرده‌اند یا نه (خودشان بارها گفته‌اند که نه و ما همین را اساس کارمان قرار می‌دهیم). اما زاپاتیست‌ها دقیقاً دارند همان کاری را انجام می‌دهند که بتلهایم روی آن تأکید

می‌کند یعنی جست‌وجوی راهی برای بازتولید نکردن گذشته. سوال آنارکوسندیکالیست‌های روسیه را نقل می‌کنیم: «پیروزی شوراها اگر چنانچه واقع شود، یک بار دیگر سازمان‌دهی قدرتی است که پس از آن می‌آید. آیا این فی‌الواقع به معنای پیروزی کار، پیروزی نیروهای متشکل شده‌ی زحمت‌کشان و آغاز بازسازی حقیقی سوسیالیستی خواهد بود؟» [۳] زاپاتیست‌ها طی سی سال گذشته در موقعیت‌های مختلف در این باره سخن گفته‌اند. می‌بایستی برای شناخت آنان، با نگاهی عمیق‌تر و انتقادی‌تر به متون آنان رجوع کرد. اما مهم‌تر از این متون، عمل کرد آنان و ساختمان خودمختاری است که از ۱۹۹۴ بنا کرده‌ند.

آنان با آتش زدن نمادین هرم، دقیقاً به علل شکست انقلاب‌های سده‌ی گذشته پاسخ می‌دهند. هرمی که به قول معاون فرمانده شورشی، مویسس، علت بازسازی سرمایه‌داری و تبعات آن در نیکاراگوئه و کشورهای است که انقلاب در آن به نتیجه‌ی نخست خود، یعنی به دست گرفتن قدرت سیاسی، رسیده است. کافی‌ست به تاریخ انقلاب‌های قرن بیستم رجوع کنیم: از انقلاب کبیر اکبر تا چین و ویتنام و کامبوج و کوبا؛ همه جا آسمان همین رنگ است، این امر هیچ ربطی به خوب یا بد بودن رهبران انقلاب و یا خیانت این و آن رهبر ندارد. امیلکار کابرال می‌گفت خرده‌بورژوازی انقلابی اگر واقعاً بخواهد با مردم همراه شود، باید دست به «خودکشی طبقاتی» بزند. [۴] زاپاتیست‌ها دقیقاً با چنین نگاه انتقادی به هرم قدرت نگاه کرده‌اند و با از میان برداشتن آن، می‌خواهند جلوی تبدیل شدن نیروهای خودشان را به اهرام بازسازی قدرت در مناطق خودمختار بگیرند.

۲. کوشش برای تقسیم عادلانه‌ی ثروت و پیش‌گیری از بازتولید یک طبقه‌ی مرفه جدید

کسانی که از ۱۹۹۴ به مناطق خودمختار زاپاتیستی سفر کرده‌اند، شاهد تفاوت سطح آزادی، به‌خصوص آزادی و فعالیت زنان در امور اجتماعی بوده‌اند. از سوی دیگر همین اختلاف سطح در زمینه‌ی اقتصادی نیز چشم‌گیر بود. چه اتفاقی افتاده است که زنان پایه‌های کمک‌رسانی را به سطوح رهبری این جریان کشانده است؟ چه تصمیمی قرار است تقسیم عادلانه‌ی ثروت را در مناطق زاپاتیستی تضمین کند؟

اگر کسی ادعا کند که برابری مطلق بین زنان و مردان زاپاتیست برقرار است، بی‌شک اشتباه می‌کند. اما مگر در تاریخ بشر هرگز تغییرات اجتماعی یک شبه نتیجه داده‌اند؟ تفاوت سطح آگاهی و فعالیت زنان چه در مسایل اجتماعی در شوراها و چه در ساختارهای خودمختار دیگر آن قدر روشن است که تنها عامدانه می‌توان آن را نادیده انگاشت. در نظر گرفتن این روند کارنامه‌ی موفق زاپاتیست‌ها را عیان می‌کند.

متون بسیاری درباره‌ی اقتصاد در مناطق زاپاتیستی وجود دارد. چند ده سال پیش زاپاتیست‌ها برای یاری رساندن به اقتصاد روستاییان با ایجاد شرکت‌های تعاونی گوناگون پاسخ دادند. تعاونی‌های صنایع دستی زنان به آنان

اجازه می‌داد همراه با استقلال اقتصادی، به فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی نیز بپردازند. تعاونی‌های گوناگون دیگری هم تاسیس شد. از بقالی تا رستوران، از صنایع دستی تا قهوه که احتمالاً یکی از مهم‌ترین منابع برای پاسخ دادن به نیازهای اقتصادی پایه‌های کمک‌رسانی است.

روشن است که این امر را نمی‌توان با سیاست اقتصادی نوین در اتحاد شوروی یکی دانست. نه از نظر شکل کار و نه از نظر حجم آن. اما دست آخر محصول این سیاست‌ها یکی است: ایجاد یک قشر از کسانی که بیش از دیگران درآمد دارند. از میان برداشتن هرم در عین حال به معنی از میان برداشتن این تفاوت درآمد نیز هست. به زبان دیگر: در انتقادات زاپاتیست‌ها می‌توان به روشنی مسیر لغو سیاست یاری رساندن به اقتصاد فردی را دید. اقتصادی که شاید می‌شد در آن چیزی شبیه به «نپ» را شاهد بود (حتی اگر زاپاتیست‌ها هیچ اطلاعی از این شباهت نداشته باشند).

یک نکته‌ی قابل تأمل دیگر

زاپاتیست‌ها در سحرگاه اول ژانویه‌ی ۲۰۲۳ اعلام کردند که بخشی از اراضی بازپس گرفته شده طی قیام ۱۹۹۴ را که هنوز تحت تصرف دارند، در اختیار افرادی قرار خواهند داد که خواهان کار روی آن هستند. آنان شروط اولیه‌ای هم برای این کار مشخص کردند: نمی‌توان هیچ نوع مخدر در آن کشت کرد؛ این اراضی تنها در اختیار افراد قرار می‌گیرد و متعلق به آنان نخواهد بود؛ افراد غیر زاپاتیست، بدون در نظر گرفتن رنگ پوست، زبان، مذهب و تعلق یا عدم تعلق سیاسی به احزاب گوناگون می‌توانند بخشی از این پروژه باشند، به شرط آن که از این اراضی دفاع کنند و آن را در اختیار شرکت‌های چندملیتی و غیره قرار ندهند؛ تمام کسانی که در کار جمعی روی این اراضی کار می‌کنند، صاحب سهمی از محصول هستند که به دست می‌آورند و فقط خودشان تصمیم می‌گیرند با آن چه کنند؛ سهم هر فرد با هر فرد دیگری که در این کار مشترک شریک است کاملاً برابر است و ربطی به وابستگی سازمانی و مذهبی و غیره ندارد؛ استفاده از اراضی شامل کسانی که زمین‌های خودشان را فروخته‌اند و رهبران گروه‌های شبه نظامی نمی‌شود. زاپاتیست‌ها این اراضی را **اراضی هیچ کس** می‌نامند. به نظر نگارنده استفاده‌ی اشتراکی از این اراضی (که شامل مزارع خانوادگی ساکنان منطقه نمی‌شود) نه تنها می‌تواند گامی علیه مهاجرت بومیان بدون زمین به شهرها و تبدیل شدنشان به نیروی کار ارزان باشد، بلکه هم‌چنین می‌تواند بدیلی باشد علیه جذب شدن آنان به گروه‌های جنایی و شبه نظامی. طبیعی‌ست در شرایط کنونی، عملی کردن چنین سیاستی نیازمند فرصت و آزمایش عملی چگونگی پیش‌برد آن است. اما خود این تصمیم نشان‌دهنده‌ی نگاه زاپاتیست‌ها در خصوص تقسیم ثروت و رابطه‌ی مستقیم انسان‌هاست. طبیعی است که خود کار جمعی در عین حال فضای آموزش و بحث مناسبی بوجود می‌آورد برای هم‌فکری بین کسانی که در این کار سهیم هستند.

هنوز زمان برای دیدن نتیجه‌ی کار بسیار زود است، اما به روشنی می‌توان جسارت زاپاتیست‌ها را در بوته‌ی آزمایش نهادن چنین ایده‌ای مشاهده کرد. اما از میان برداشتن واسطه‌ها در ارتباط با ساکنین بومی، تاثیرگذاری متقابل را امکان‌پذیر می‌کند. زاپاتیست‌ها حتی به این بخش بسنده نکرده‌اند، بلکه ارتباطات خود را با نیروهای حامی‌شان در اروپا و احتمالاً کشورهای دیگر گسترش داده‌اند، یعنی این که نمی‌خواهند از طریق واسطه‌ها با حامیان‌شان در ارتباط باشند، واسطه‌هایی که می‌توانند با تفسیرهای خود علیه این روند عمل کنند.

رفقای زاپاتیست در همین همایش چند بار اذعان داشته‌اند که سرنوشت این جنبش نامعلوم است. آن چه می‌دانیم این است که کوشش‌های تاکنونی به بازسازی نظم‌ی ختم شده که قرار بود از میان برداشته شود. تنها با تجربه کردن این گام می‌توان به صحت و یا عدم صحت آن پی برد.

مسئولانه و بی‌دریغ رفقای زاپاتیست را در این مسیر پرچالش همراهی و حمایت کنیم!

یادداشت‌ها:

[۱]. بنگرید به:

[La autocritica zapatista](#), Raúl Zibechi, 11 august 2025

[۲]. مبارزه‌ی طبقاتی در شوروی، شارل بتلهایم.

[۳]. «آیا این پایان راه است؟» منتشر شده در هفته‌نامه‌ی گولوس ترودا، شماره ۲۰-۱۱ اکتبر ۱۹۱۷.

[۴]. امیلکار کابرال، سلاح طبقاتی، سخن‌رانی در کنفرانس سه‌قاره‌ای، هاوانا ۱۹۶۶، هم‌چنین در:

Die Theorie als Waffe, Schriften zur Befreiung in Afrika, Edition CON